

قرآن، رسانه‌های اخلاق مدار

جهاندارامینی^۱

چکیده

تاریخ پیدایش رسانه به زمان نیاز بشر به تبادل اطلاعات برمی‌گردد؛ یعنی به آغاز زندگی اجتماعی انسان‌های نخستین بر روی زمین. قرآن، به عنوان قدیمی‌ترین و موثق‌ترین کتاب آسمانی از روز نزول تا به امروز، نقش رسانه‌ای دینی داشته است و ویژگی‌های اخلاقی منحصر به فردی دارد که آن را از سایر رسانه‌ها متمایز می‌سازد؛ از جمله این ویژگی‌ها، ربّانی و مظهر حق بودن، اعتبار، تکیه بر دلیل و برهان در اقناع مردم، پایبند بودن به اخلاق، عدالت و دادگری و فراگیر بودن است. این نوشتار به بررسی این ویژگی‌ها با استناد به آیات قرآن پرداخته است. واژگان کلیدی: قرآن، رسانه، دعوت، تبلیغ، اخلاق

مقدمه

اگر کمی به پیرامون خود و دگرگونی‌های آن نگاه کنیم، وسایل ارتباط جمعی و ابزارهای رسانه‌ای نوین مانند اینترنت و ماهواره را می‌بینیم. درون مایه و ماهیت بنیادین این رسانه‌ها و رسانه‌های گذشته یک چیز است؛ ارتباط برای انتقال اطلاعات. این دستاورد تازه‌ای نیست، بلکه تاریخ پیدایش رسانه به زمان نیاز آدمی به تبادل اطلاعات یا به عبارتی به آغاز زندگی اجتماعی آدم‌های نخستین برمی‌گردد، آنجا که آدمی پیش از ارتباط زبانی، برای فهماندن خواسته خود به دیگران، از حرکات دست و صورت یا کشیدن تصاویر بهره می‌برد. رسانه یکی از نیازهای اجتماعی آدم‌هاست و آدم‌ها هرگز از آن بی‌نیاز نبوده‌اند و نیستند؛ زیرا انسانها موجوداتی اجتماعی آفریده شده‌اند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا؛ ای مردم! همانا ما شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را از اقوام و قبایلی قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید» (حجرات، ۱۳)، ولی ابزارها به فراخور روز، تغییر و پیشرفت می‌کنند. رد پای رسانه را در قرآن می‌توان از همان گفت‌وگوهای نخستین خداوند با ملائکه در ارتباط با آفرینش آدم و آموزش علم اسماء به آدم یافت؛ آنجا که می‌فرماید:

«وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا

۱. دانشجوی دکتری حقوق و جزاء و جرم‌شناسی.

كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ؛ سپس به آدم نامهای (اشیاء و خواص و اسرار چیزهایی را که نوع انسان از لحاظ پیشرفت مادی و معنوی آمادگی فراگیری آنها را داشت، به دل او الهام کرد و بدو) همه را آموخت. سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می‌گویید (و خود را برای امر جانشینی از انسان بایسته‌تر می‌بینید) اسامی (و خواص و اسرار) اینها را برشمارید. فرشتگان گفتند: منزه‌ی تو، ما چیزی جز آنچه به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم (و توانایی جانشینی را در زمین و استعداد اشتغال به امور مادی را نداریم و معترفیم که آدم موجودی شایسته‌تر از ماست) و تو دانا و حکیمی. فرمود: ای آدم! آنان را از نامها (و خواص و اسرار این) پدیده‌ها آگاه کن. هنگامی که آدم (فرمان خدا را لیبیک گفت) و فرشتگان را از (خواص و اسرار اشیا) و پدیده‌ها آگاه کرد، خداوند فرمود: به شما نگفتم که من غیب (و راز) آسمانها و زمین را می‌دانم و از آنچه شما آشکار می‌کنید یا پنهان می‌داشتید، نیز آگاهم؟» (بقره، ۳۱، ۳۳).

از این آیات برداشت می‌شود که آدمی از همان آغاز آفرینش نخستین، رسانه (ابزار ارتباط) را می‌شناسد و از آن به شیوه فطری که خداوند در نهادش گذاشته است، بهره می‌برد؛ و شیوه بیان پی‌درپی اندیشه‌ها، تصورات و چگونگی انتقال رویدادها و رخدادهایی را که در پیرامونش می‌گذرد یاد گرفته است و به کار می‌برد. زمانی که آدمی نتوانسته است خواسته و مقصودش را در قالب الفاظ و واژه‌ها بیان کند، از حرکات و صداهایی استفاده کرده است؛ مانند اشاره، روشن کردن آتش، طبل زدن و... که برخی از این موارد امروزه نیز استفاده می‌شود (الوشلی، بی‌تا، ۱۶). در جنبه اجتماعی نیز خداوند انسانها را آفریده است تا با یکدیگر در ارتباط باشند، در کنار همدیگر انس بگیرند و از اخبار و احوال یکدیگر آگاه شوند؛ خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»، «ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حواء) آفریده‌ایم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید» (حجرات، ۱۳).

خداوند انسانها را آفریده است تا همدیگر را بشناسند و با هم ارتباط داشته باشند؛ حتی خداوند ابزار این ارتباط را در اختیار انسان گذاشته و او را آموزش داده است؛ آنجا که می‌فرماید: «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»، (رحمن، ۴) بنابراین دین اسلام به معنای تمام کلمه، دینی رسانه‌ای است؛ زیرا مبنای آن بیان و دعوت و تبلیغ است، برخلاف سایر ادیان مانند یهودیت که دین خود را در انحصار خود و بنا بر برکتان حق دانسته‌اند: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا آتَيْنَا مِنْ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ* إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّاهُمْ فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ بی‌گمان کسانی که پنهان می‌دارند آنچه را از دلایل روشن و هدایت فرو فرستاده‌ایم، بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب (تورات و انجیل) بیان و روشن نموده‌ایم، خدا و نفرین‌کنندگان (چه از میان فرشتگان و چه از میان مؤمنان انس و

جان)، ایشان را نفرین می‌کنند (و خواستار طرد آنان از رحمت خدا خواهند شد). مگر کسانی که توبه کنند (از کتمان حق) و به اصلاح (حال خود و جبران مافات) بپردازند و (آنچه را از اوصاف پیغمبر و اسلام و دیگر حقایق می‌دانستند و پنهان می‌کردند) آشکار سازند. چه توبه چنین کسانی را می‌پذیریم و من بسی توبه‌پذیر و مهربانم» (بقره، ۱۵۹-۱۶۰).

دین اسلام همان طور که وظیفه اسوه و الگوی مردم را دعوت و تبلیغ مردم برای شنیدن پیام حق می‌داند، پیروان این دین را نیز به این امر یا به عبارتی به این کار رسانه‌ای فرامی‌خواند و «خیریت» و برتری این امت را در این امر می‌داند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ؛ شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایید و به خدا ایمان دارید؛ و اگر اهل کتاب (مثل شما به چنین برنامه و آیین درخشانی) ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است (از باور و آیینی که برآیند. ولی تنها عده کمی) از آنان با ایمان اند و بیشتر ایشان فاسق (و خارج از حدود ایمان و وظایف آن) هستند» (آل عمران، ۱۱۰).

بنابراین قرآن مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رسانه‌ای است که با قدمتی هزارساله، همه جهانیان را در هر عصری مخاطب خود قرار می‌دهد و آنان را با شیوه و ابزارهای خاص، به فرامین خود رهنمون می‌سازد. در این نوشتار بعد از تعریف لغوی و اصطلاحی رسانه، ویژگیهای رسانه‌ای قرآن، به عنوان مهم‌ترین رسانه اسلامی، برشمرده شده است.

تعریف رسانه

چون موضوع مقاله بررسی رسانه در قرآن است و رسانه واژه‌های فارسی است، لازم می‌نماید برابرزاده آن را در لغت و اصلاح زبان عربی، که همانا زبان قرآن است، بررسی کنیم تا بتوانیم به شواهد موجود در قرآن استناد نماییم.

۱. در لغت

برابرزاده واژه «رسانه» در ادبیات عرب «إعلام» است؛ مصدر باب افعال و از ریشه «عَلِمَ». علم در برابر جهل قرار می‌گیرد. عالم به کسی گفته می‌شود که نسبت به مسأله‌های، دانا و آگاه است؛ گفته می‌شود: «عَلِمْتُ الشَّيْءَ»؛ یعنی با خبر شدم و آگاهی یافتم. در قرآن آمده است: «وَأَخْرَجَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ»، کسان دیگری جز آنان (هستند) که ایشان را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد. (ابن منظور، بی تا، ۴/۳۰۸۳)؛ نیز گفته می‌شود «إعلام» مشتق از عَلِمَ است؛ مثلاً: «أَعْلَمُ فَلَانًا الْخَبْرَ»؛ یعنی او را با خبر ساخت (مجموعه مؤلفین، ۱۹۸۹م، ۲/۶۲۴). به اختصار، معنای لغوی اعلام، فرآیند انتقال مفاهیم و معانی (فرهنگی، ۱۳۷۳ش، ۱/۶)،

آگاهی و خبر دادن از موضوعی یا انتقال معلومات به دیگران است (عبداللطیف، بی تا، ۱۳۵)؛ همچنین به معنای تبلیغ نیز آمده است؛ زمانی گفته می شود: «بلغت القوم بلاغاً» یعنی آنچه مطلوب است به آنان رساندم. خداوند نیز می فرماید: «وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ؛ ما سخنان (قرآن) را پیاپی فرستادیم و به هم ارتباط و پیوند دادیم تا یادآور شوند» (قصص، ۵۱). در تفاوت اعلام و تعلیم گفته اند: اعلام خبر فوری و سریع، اما تعلیم زمان برو نیازمند تکرار است (البستانی، بی تا، ۶۳۹).

۲. در اصطلاح

تعریفهای گوناگونی از اعلام (رسانه) در اصطلاح ارائه شده است؛ از جمله: «رساندن اخبار صحیح و معلومات درست و حقیقتهای ثابت شده به مردم تا آنان را در ارائه نظر و تحلیل حوادث و مشکلات یاری رساند، به گونهای که این نظر مبنای رأی جمعی مردم و موضع گیری آنها باشد» (الإمام، ۱۹۸۰م، ۲۷)، «هر نوع واسطه یا مجاری انتقال پیام است که از طریق فرستنده اعمال می شود؛ همچنین عبارت از هرابزاری برای برقراری ارتباطات است؛ رسانه حامل یا واسطه پیام است و به عنوان پیام در علوم ارتباطات معنا گردیده است» (احمدی، ۱۳۹۳ش، ۳۴)، «حجم زیادی از معلومات درست و حقایق روشن را در اختیار مردم گذاشتن» (حمزه، ۱۹۷۸م، ۷۶)، «هر گفتار و کرداری به هدف انتقال حقایق، عواطف، احساسات، اندیشه، تجارب، رفتار شخصی یا گروهی به کسی یا مجموعه ای به هدف تأثیر گذاری، چه این انتقال به وسیله ابزارهای قدیمی یا جدید باشد، رسانه نامیده می شود» (السنقیطی، ۱۹۸۶م، ۱۷) «نشر اخبار و دیدگاهها به مردم» (الإمام، ۱۹۸۱م، ۳۱۶). درکل می توان گفت رسانه به فرآیند ارتباط برای انتقال اطلاعات با اهداف مشخص، از جمله اصلاح، افساد، بیان حقیقت، بطلان حقیقت، روشنگری، هدایت، گمراهی و... گفته می شود.

رسانه در قرآن

خداوند انسان را بعد از آفرینش رها نساخت و برایش معلمانی از جنس خودش فرستاد تا او را آموزش دهد و برای همه این فرستادگان، نشانه هایی قرار داد تا مردم به آنان ایمان بیاورند؛ پیامبر آخرین را پیامی بخشید تا در هر نسلی برانسانها خوانده شود و معجزه ای جاودان برای همگان بماند.

«ما من الأنبياء نبي إلا أعطى ما مثله آمن عليه البشر، وإنما كان الذي أوتيت وحياً أوحاه الله إلي، فأرجو أن أكون أكثرهم تابعاً يوم القيامة» (بخاری، ۱۹۹۸م، ش ۴۶۹۶)، «به هر پیامبر چیزی (معجزه ای) داده شد تا انسانها بدو ایمان بیاورند و آنچه به من داده شد وحی است که خداوند

به من عطا کرد، امید دارم روز قیامت بیشتر مردم پیرو آن باشند».

با توجه به این موضوع، دعوت پیامبران را می‌توان از مصادیق رسانه در عصرهای گذشته به‌شمار آورد و قرآن به تمام معنای کلمه، رسانه‌ای است جمعی و فرامزی که همگان را به سوی «نبأ» خود فرامی‌خواند و پیامبرش را امر به ابلاغ می‌کند که «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ؛ ای فرستاده، هر آنچه از سوی پروردگارت برتوانازل شده است (به تمام و کمال به مردم) برسان (و آنان را بدان دعوت کن) و اگر چنین نکنی، رسالت خدا را (به مردم) نرسانده‌ای» (مائده، ۶۷) و پیروان این پیامبر را نیز به رساندن این پیام امر می‌کند: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؛ بگو: این راه من است که من با آگاهی و بینش به سوی خدا می‌خوانم و پیروان من هم (چنین می‌باشند)» (یوسف، ۱۰۸).

قرآن از همه جوانب بلاغی، نحوی، عبادات، اخلاق، قصص و... معجزه است و باطل به آن راه ندارد: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ؛ هیچ‌گونه باطلی، از هیچ جهتی و نظری، متوجه قرآن نمی‌گردد» (فصلت، ۴۲). بشرطی حیات خود تا به امروز، رسانهای معصوم و به دور از تحریف و بطلان بسان قرآن ندیده است و این جای تعجب نیست؛ چون سخن خداوند است و همواز نقص و نسیان به دور است. «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ خداوند با آن (کتاب) کسانی را به راههای امن و امان هدایت می‌کند که جویای خوشنودی او باشند و با مشیت و فرمان خود، آنان را از تاریکیهای (کفر و جهل) بیرون می‌آورد و به سوی نور (ایمان و علم) می‌برد و ایشان را به راه راست رهنمود می‌شود» (مائده، ۱۶). از آنجاکه قرآن رسانه‌ای جمعی و عمومی است و مخاطبان گوناگونی از مؤمن و کافر و منافق دارد، برای ادای رسالت رسانه‌ای خود، همه را خطاب قرار داده است و برای هر طبقه پیام خاصی دارد: «وَلَقَدْ صَرَّبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ؛ به راستی در این قرآن برای مردم از هر [گونه] مثلی زده‌ایم باشد که آنان پند گیرند» (زمر، ۲۷). این تنوع مخاطبان نیازمند تغییر در ادبیات نیز هست؛ به همین دلیل، قرآن از شیوه‌های متعددی از جمله: قصه، پرسش و پاسخ، تکرار، تشویق و ترغیب، جدال، گفت‌وگو و... برای ارتباط بهره می‌گیرد: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با حکمت و اندرز نیکو [مردم را] به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که بهترین است مجادله کن» (نحل، ۱۲۵)؛ همچنین قرآن همه ابعاد و جوانب روحی، جسمی، عاطفی و عقلی انسان را مخاطب خود قرار می‌دهد و درخور این نیازها رهنمود خود را ارائه می‌دهد. قرآن رسانهای جاودانه است که پیامها و روشنگریهای خود را در حوزه‌های مختلف زندگی بشری، در هر عصر و زمانی در اختیار او می‌گذارد.

ویژگیهای اخلاقی رسانه‌ای قرآن

قرآن رسانه‌ای اخلاقمدار است و ویژگیهایی دارد که آن را از سایر رسانه‌ها متمایز میسازد. این ویژگیها در ادامه برشمرده شده است.

۱. ربانی و خدایی بودن

قرآن رسانه‌های کاملاً آسمانی و وحیانی است و هیچ مخلوقی در آن دخالت نکرده؛ فضایل اخلاقی و عبادات و معاملات مورد تأیید خداوند در آن آمده و چگونگی دعوت به سوی خداوند برای دعوت گران مصلحان بیان شده است و شیوه تأثیرگذاری و ابزار آن از طرف خدایی که آگاه به مخلوقات خود است تبیین و روشن شده است؛ زیرا خداوند صلاح دنیا و آخرت بندگان خود را می‌داند و آنان را به سوی حیات پاک و جاودانه راهنمایی می‌کند. این ویژگی، استقلال رسانه دینی را به اثبات می‌رساند که پیرو هیچ منع و مرجع دیگری نیست و هرگونه تقلید و هیمنه رسانه‌ای دیگر را مردود می‌داند. «قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ * قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ گفتند: ما پدران خویش را دیده‌ایم که اینها را پرستش می‌کرده‌اند (و ما از روش و آیین گذشتگانمان دست بر نمی‌داریم). ابراهیم گفت: قطعاً شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری بوده و هستید» (انبیاء، ۵۳، ۵۴). اصل کلی در زندگی انسان مسلمان، از خدا بودن و به سوی خدا رفتن است؛ «إلى الله مرجعكم جميعاً؛ جملگی بازگشتتان به سوی خدا خواهد بود» (مائده، ۴۸). تمامی نیات و اعمال مسلمان باید هماهنگ با دستورات خداوند و با هدف کسب رضایت او و منطبق با خواست وی باشد. از جمله این اعمال فرایند خبرسانی در رسانه‌های جامعه اسلامی است که آن هم در ذیل اصلی کلی انطباق با اوامر الهی قرار می‌گیرد.

۲. مظهر حق و حقیقت بودن

قرآن تنها منبع موثق است که از گذشته و آینده بشر خیر می‌دهد و این حقایق به شیوه‌های گوناگونی در قرآن نمود دارد:

- خداوند خود حق مطلق است: «ذَلِكِ بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ؛ آن بدان خاطر است که (بدانید) خدا حق است» (حج، ۶)؛
- کتاب خداوند حق است: «وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ؛ ما قرآن را (ماده و محتوای) حق نازل کرده‌ایم و نازل شده است تا حق را (در زمین) پابرجا کند» (اسرا، ۱۰۵)؛
- کلام خداوند همه حق است: «قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ؛ فرمود: به حق سوگند و حق می‌گویم (و جز حق نمی‌گویم)» (ص، ۸۴)؛ «وَاللَّهُ يُقُولُ الْحَقُّ؛ خداوند حق می‌گوید و به راه

راست راهنمایی می‌کند» (احزاب، ۴)؛

- رسالت پیامبر(ص) حق است: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا؛ ما تورا همراه با حقایق یقینی فرستادیم تا مؤده‌رسان و بیم‌دهنده باشی» (بقره، ۱۱۹)؛
- قرآن به حق برای حکم کردن نازل شده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ؛ ما کتاب را به حق برتو نازل کرده‌ایم تا میان مردمان طبق آنچه خدا به تونشان داده است داوری کنی و مدافع خائنان مباش» (نساء، ۱۰۵)؛
- قصص قرآنی همه حق است: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ؛ ما داستان آنان را به گونه راستین برای تو بازگو می‌کنیم» (کهف، ۱۳)؛
- مثالهای قرآنی همه حق است: «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ؛ هیچ مثالی به میان نمی‌کشند، مگر اینکه ما پاسخ راست و درست را و بهترین وجه و زیباترین تبیین و تفسیر را به تو می‌نمایانیم» (فرقان، ۳۳)؛
- مومنان همدیگر را به حق توصیه می‌کنند: «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» (عصر، ۳).

بنابراین قرآن رسانهای است که باطل به آن راه ندارد و هرگز حقایق آن متزلزل و وارونه نخواهد شد و راههایش به بیراهه ختم نمی‌شود و به هیچ کاستی و زیونی گرفتار نخواهد گردید. احکام قرآن به دادگری ختم می‌شود و هدف آن حقیقت است و به همین دلیل بر مسلمانان واجب شده است از آن حمایت مادی و معنوی کنند و به آماده‌سازی و آموزش نیروهای متخصص دست زنند و ابزارهای لازم برای این امر را فراهم کنند (المتولی رفاعی، ۲۰۱۱م، ۴۵).

اگر رسانه دینی در هدف و محتوا، «حق محور» باشد، در مرحله بعد در شیوه‌ها و ابزارها هم حق را مقدم می‌شمارد و با استحکام، اتقان و استدلال در عرصه خبررسانی و خبرسازی گام برمی‌دارد. در این صورت، رسانه توان هدایتگری خود را بدون آسیب، به ظهور می‌رساند (عابدی میانجی، ۱۳۸۷ش، ۶۴).

۳. اعتبار

قرآن از آنجاکه سخن پروردگار جهانیان و راست‌ترین سخنان است، منزلت و اعتبار بالایی دارد. قرآن کامل‌ترین سخنی است که بشر شنیده و عادلانه‌ترین سخنی است که بدان حکم می‌کند و جاودانه خواهد ماند: «وَمَثَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ؛ و سخن پروردگارت به راستی و داد سرانجام گرفته است» (انعام، ۱۱۵). رسالت پیامبرش نیز صادقانه است: «وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ و آن کس که راستی آورد و آن را باور نمود آنانند که خود پرهیزگارانند» (زمر، ۳۳) و اساساً انسانها را به راستگویی و امانت‌داری دعوت کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای ایمان‌آوردگان تقوای خدا را پیشه

خود سازید و همواره با راستگویان باشید» (توبه، ۱۱۹)؛ پیامبرش را هم به صدق و راستی امر می‌کند: «عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقًا، وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا؛ راستی پیشه کنید که راستی به نیکوکاری رهنمون می‌شود و نیکوکاری انسان را به بهشت می‌رساند؛ بنده مؤمن همواره راست می‌گوید و راستی پیشه می‌کند تا اینکه نزد خدا صدیق نوشته می‌شود. از دروغ پرهیز کنید که دروغ انسان را به گناه می‌کشاند و گناه او را به جهنم می‌برد؛ انسان همواره دروغ می‌گوید تا آنجا که نزد خدا کذاب و دروغگو نوشته می‌شود» (بخاری، بی تا، ۲۲۶۱/۵). رسانه قرآن، مؤمنان را به صداقت و راستی در گفتار و کردار فرامی‌خواند و همراهی با راستی پیشگان را لازم و واجب می‌شمارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای مؤمنان! از خدا بترسید و همگام با راستان باشید» (توبه، ۱۱۹) و به راستی تشویق می‌کند: «قُلُوا صَدَقُوا اللَّهُ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ؛ اگر با خدا راست باشند، برای ایشان بهتر خواهد بود» (محمد، ۲۱) و نتایج راستی را منحصر به دنیا نمی‌داند، بلکه بهره‌مندی از نعمتهای آخرت را منوط به راستی می‌داند: «هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَوَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ امروز روزی است که تنها درستی کردار و درستی گفتار راستگویان بدیشان سود می‌رساند» (مائده، ۱۱۹). قرآن کریم پیامدهای اعتماد به منبع خبر نامطمئن را بسیار وخیم می‌داند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید در مورد خبری که فاسق برای شما آورده است تحقیق کنید، مبدا که براساس اعتماد به آن خبر به دستهای از مردم آسیب وارد آورد و سپس از این کرده خود پشیمان شوید» (حجرات، ۶). رسانه قرآنی از هر نوع دروغ، فریب، تزویر، افترا و شایعه‌پراکنی به دور است و در اخبار، آگهی و اهدافی که دنبال می‌کند بر صدق و راستی تکیه دارد تا مردم به رأی درست و فهم دقیق دست یابند و امورات زندگی را اداره کنند (احمد، ۲۰۰۹، ۴۵). حق مردم در دستیابی به اطلاعات، نخستین اصل بین‌المللی اخلاق حرفهای در خبرنگاری است که به سال ۱۹۸۳، در چهارمین نشست مشورتی یونسکو در پراگ و پاریس تأکید شد. براساس این اصل، مردم و افراد حق دارند از طریق دستیابی به اطلاعات صحیح و جامع، تصویری واقعی از جهان بیرونی را در اختیار داشته باشند و علاوه بر این بتوانند آرای خود را با استفاده از رسانه‌های گوناگون فرهنگی و ارتباطاتی، آزادانه اعلام و ابراز کنند (نوردنسترنگ، ۱۳۷۵، ش، ۴۵).

۴. تکیه بر دلیل و برهان در اقناع مردم

قرآن در بیان اصول و مفاهیم اساسی، براقناع عقلی افراد تأکید کرده و مبانی خود را بر پایه دلیل و برهان بیان نموده است.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ؛ ای مردم! از سوی پروردگارتان حجتی به نزدتان آمده است» (نساء، ۱۷۴). رسانه قرآنی، رسانه‌ای احساسی و عاطفی نیست که احساسات را برانگیزد و عواطف را شعله‌ور سازد، بلکه رسانه‌ای است که بر دلیل و برهان تکیه دارد و خرد انسانی را خطاب قرار می‌دهد و به اندیشه‌ورزی و خردگرایی دعوت می‌کند تا حقایق در میزان خرد سنجیده شود. این مسئله در گفت‌وگوی ابراهیم (ع) با نمرود، آشکار است: «أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ آیا با خبری از کسی که با ابراهیم درباره پروردگارش راه مجادله و ستیز در پیش گرفت، بدان علت که خداوند بدو حکومت و شاهی داده بود؟ هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگار من کسی است که زنده می‌گرداند و می‌میراند. او گفت: من (با عفو و کشتن) زنده می‌گردانم و می‌میرانم. ابراهیم گفت: خداوند خورشید را از مشرق برمی‌آورد، تو آن را از مغرب برآور. پس آن مرد کافر و اماند و مبهوت شد؛ و خداوند مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند» (بقره، ۲۵۸) و مخالفان را نیز به آوردن دلیل در بیان عقاید خود فرامی‌خواند: «... قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بگو: اگر راست می‌گویید دلیل خویش را بیاورید» (بقره، ۱۱۱). در جای دیگری می‌فرماید: «قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا؛ بگو: آیا دلیل قاطعی دارید تا آن را به ما ارائه دهید» (انعام، ۱۴۸)؛ بنابراین با اندکی تأمل در قرآن درمی‌یابیم که جهان بینی معرفی شده در قرآن، که همگان بدان فرا خوانده می‌شوند، بر دلایل عقلی استوار است و به همین دلیل، کسانی که فاقد قوه تعقل هستند از دایره تکلیف خارج‌اند. قرآن در بسیاری آیات دیگر، با خطابی توبیخ‌آمیز، عقلای قوم را به به‌کارگیری خرد دعوت می‌کند: «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره، ۴۴)؛ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ»، (نساء، ۸۲)؛ «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» (انعام، ۵۰)؛ «أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» (انعام، ۸۰)؛ «أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (قصص، ۷۲) و در برخی موارد که دلایل خود را بیان کرده، امید داشته است که مردم در آن بیندیشند تا شاید هدایت یابند: «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره، ۲۱۹)؛ «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره، ۷۳)؛ «لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (بقره، ۵۳) و در جاهای دیگری بعد از اشاره به برخی نشانه‌های آفاق و انفس، فهم و درک این آیات و براهین عقلی را در انحصار صاحبان عقل و خرد می‌داند: «... لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره، ۱۶۴)؛ «وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يَبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (بقره، ۲۳۰)؛ «قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُفْقَهُونَ» (انعام، ۹۸)؛ «قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَكَّرُونَ» (انعام، ۱۲۶)؛ «كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (يونس، ۲۴) و هر نوع پیروی کورکورانه و تقلید متعصبانه

را که از خردگرایی به دور است مذموم می‌شمارد: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَئِكَ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ؛ و هنگامی که به آنان گفته شود: از آنچه خدا فرو فرستاده است پیروی کنید می‌گویند: بلکه ما از آنچه پدران خود را برآن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم (نه از چیز دیگری). آیا اگر پدرانشان چیزی را نفهمیده باشند و (به هدایت و ایمان) راه نبرده باشند» (بقره، ۱۷۰).

بنابراین رسانه قرآنی رسانه عقلانی آشکار و از خرافات و خیال‌پردازی به دور است، از جهان‌بینی و ایدئولوژی خود به دلایل عقلانی و خردپذیر دفاع می‌کند و آن را در عرصه نقد و بررسی همگان قرار می‌دهد؛ خردی که رسانه قرآنی آن را پرورش می‌دهد و پخته می‌گرداند، خرد سالمی است که به دور از خرافات برای نیل به حقیقت می‌کوشد.

۵. پایبند بودن به اخلاق

فرد مسلمان همواره به صورت هدفمند زیست می‌کند و هیچ‌گونه عملی خارج از چهارچوب گفتمانی اسلامی نیست، حتی عمل فرد مسلمان پیش از آنکه به منصفه ظهور و دنیای خارج برسد، در عالم قصد و اراده و نیت نیز مستحق ثواب یا عقاب است تا جایی که برای نیت و اراده جایگاهی فراتر از عمل دیده شده است. انسان مسلمان همواره مقید به حدود الهی است و مجاز نیست از آن حدود تخلف ورزد: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا؛ اینها حدود الهی است پس متعرض آنها نشوید» (بقره، ۲۲۹) یا «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا؛ اینها حدود الهی است پس نزدیک آنها نشوید»، (بقره، ۱۸۷). حدود الهی مرزبندیها و حوزه مشخص شده وظایف و بایدها و نبایدهای کلی و شاملی است که انسان باید براساس آن، زندگی روزمره فردی و اجتماعی خود را سامان دهد و حکومت نیز باید زمینه‌های رعایت آن حدود را فراهم و تسهیل کند؛ بنابراین از ویژگیهای دیگر رسانه قرآن، التزام و پایبندی به مفاهیم اخلاقی و نشر و ترویج آن است: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ؛ گذشت داشته باش و آسانگیری کن و به کار نیک دستور بده و از نادانان چشم‌پوشی کن» (اعراف، ۱۹۹)؛ «الَّذِينَ يُفْقُونَ فِي الضَّرَائِ وَالضَّرَائِ وَالْكَاطِبِينَ الْعَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ آن کسانی که در حال خوشی و ناخوشی و ثروتمندی و تنگدستی، به احسان و بذل و بخشش دست می‌یازند و خشم خود را فرو می‌خورند و از مردم گذشت می‌کنند، خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» (آل عمران، ۱۳۴)؛ «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ و بندگان (خوب خدای) رحمان کسانی‌اند که آرام روی زمین راه می‌روند و هنگامی که نادانان ایشان را مخاطب (دشمنها و بد و بیراه‌های خود) قرار می‌دهند، از آنان روی می‌گردانند و به ترک ایشان می‌گویند» (فرقان، ۶۳). قرآن جدای از اینکه به اخلاق نیکو فرامی‌خواند، دیگران را از اخلاق

ناپسند نیز بر حذر می‌دارد و در این زمینه راهکارهای پیشگیرانه نیز ارائه می‌دهد: «وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ و تباهاکارانه در زمین به لاف و گزاف و تجاوز و تعدی نپردازید» (بقره، ۶۰)؛ «وَلَا تُضَعِرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْسُ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ؛ با تکبر و بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو، چرا که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست نمی‌دارد. و در راه رفتنت اعتدال را رعایت کن و از صدای خود بکاه، چرا که زشت‌ترین صداها، صدای خران است» (لقمان، ۱۸-۱۹). بی‌شک وجود دهها آیه دیگر از قرآن که به مفاهیم اخلاقی اشاره می‌کند، رسانه قرآنی را به رسانه‌ای اخلاق‌مدار تبدیل و آن را از سایر رسانه‌های دیگر جدا می‌کند. تمرکز رسانه قرآن بر ترویج و نشر اخلاق است؛ چون حفظ اخلاق از ضروریات حیات انسانی است و قرآن کامل‌ترین نظام اخلاقی را به بشریت عرضه کرده است، به گونه‌ای که اخلاق همه جوانب فردی، اجتماعی، سیاسی، رسانه‌ای و... را در بر گرفته است (الشعراوی، ۱۹۸۹م، ۱۴۱)؛ بنابراین ارتباط‌گر مسلمان هیچ‌گاه مانند ارتباط‌گر سکولار غربی، خود را فارغ از همه چیز به جز خبر نمی‌بیند. ارتباط‌گر مسلمان خبر و خبرسانی را نیز در سایه تلاش برای کسب رضایت و تحقق خواست خداوند پی می‌گیرد.

اگر دست‌اندرکاران رسانه‌ها در جهان اسلام این مفهوم مسئولیت اجتماعی را به عنوان سنگ بنای حرفه خود نپذیرند، هرگز نمی‌توان از قواعد اخلاقی اسلامی تصویری داشت (شیخ، ۱۳۷۵ش، ۶۷).

۶. عدالت و دادگری

در ادبیات رسانه، به جای عدالت، واژه «بی‌طرفی» به کار گرفته می‌شود و روزنامه‌نگاران از آن به عنوان شرط اساسی و مهم در خبریاد می‌کنند. این واژه را به حالتی فارغ از احساسات و عواطف و تجربه‌های شخصی تعبیر کرده‌اند. (صینی، ۱۹۹۱م، ۲۶-۲۸). با وجود تلاش‌های فراوان در این زمینه، هنوز هیچ رسانه‌ای در دنیا یافت نمی‌شود که در انتقال خبر، اصل «بی‌طرفی» را مراعات کند و همگی کم‌وبیش از این مسئله رنج می‌برند و بشر امروز هرگز عدالت کامل و رعایت اصل انصاف را جز در خلال رسانه قرآنی ندیده است؛ رسانه‌ای که با معیار و سنجش دقیق الهی آمده و از هیچ موضوعی غفلت نکرده و کمترین رفتارها را در شمار آورده است (حجاب، ۱۹۸۲م، ۳۹).

- خداوند به اجرای عدالت بین خود و بندگانش این چنین اشاره می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يَضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا؛ خداوند (به کسی) ذره‌ای ظلم روا نمی‌دارد و اگر کار نیکی (از کسی) سرزند، آن را چندین برابر می‌گرداند و از سوی

خود پاداش بزرگی عطا می‌کند» (نساء، ۴۰).

• به بندگان این گونه امر می‌کند: «وَإِذَا حَكَهْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید این که دادگرانه داوری کنید» (نساء، ۵۸) نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَضُوا فَأِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دادگری پیشه سازید و در اقامه عدل و داد بکوشید و به خاطر خدا شهادت دهید هر چند که شهادتتان به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان بوده باشد. اگر کسی که به زیان او شهادت داده می‌شود دارا یا نادار باشد، چرا که (رضای) خداوند از (رضای) هر دوی آنان بهتر است، پس از هوا و هوس پیروی نکنید که (اگر چنین کنید از حق) منحرف می‌گردید و اگر زبان از ادای شهادت حق بیچنانید یا از آن روی بگردانید، خداوند از آنچه می‌کنید آگاه است» (نساء، ۱۳۵).

• امر به برپایی عدل و قسط اگرچه با دشمن هم باشد: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ دشمنانگی قومی شما را بر آن ندارد که (با ایشان) دادگری نکنید. دادگری کنید که دادگری (به‌ویژه با دشمنان) به پرهیزگاری نزدیک تر است. از خدا بترسید که خدا آگاه از هر آن چیزی است که انجام می‌دهید» (مائده، ۸).

۷. تعامل مثبت با حوادث

رسانه قرآنی طی ۲۳ سال، هم‌زمان با حوادث و رخداد های مهم، موضع‌گیری کرده است (کتب سبب نزول شاهد این مدعا است) و پاسخ به سؤالات، راهنمایی گمراهان، حل و فصل درگیریها و حکمت در بین مردم از رسالت‌های مهم رسانه قرآنی بوده است که هر کدام از این موارد، یکی از اهداف و ارزشهای خبری به‌شمار می‌آید. رسانه قرآنی هیچ حادثه مهمی را فروگذار نبوده و به همه جوانب دنیوی، اخروی، عقیدتی، عبادات، معاملات، مجازات‌ها و احکام اشاره کرده است. در ادامه به چند مورد از آنها اشاره شده است:

• رد عقاید و تصورات باطل در مورد خداوند: «وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَہٗ بَلْ لَہٗ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ کُلٌّ لَہٗ قَانُثُونَ؛ می‌گویند: خداوند فرزندی برای خویش برگزیده است! - خدا برتر از این چیزهاست - بلکه آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست و همگان فروتن در برابر اویند» (بقره، ۱۱۶).

• در بیان عبادات: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمِن الضَّالِّينَ؛ گناهی

بر شما نیست اینکه از فضل پروردگار خود برخوردار شوید؛ و هنگامی که از عرفات (به سوی مزدلفه) روان شدید، خدا را (با تهلیل و تکبیر و تلبیه) در نزد مشعرالحرام یاد کنید و همان گونه که شما را رهنمون کرده است خدای را یاد کنید، اگرچه پیش از آن جزه گمراهان بوده باشید» (بقره، ۱۹۸).

• در پاسخ به پرسشهای مردم: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ بَيِّنَ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» درباره باده و قمار از تو سؤال می کنند. بگو: در آنها گناه بزرگی است و منفعی هم برای مردم دربردارند، ولی گناه آنها بیش از نفع آنهاست؛ و از تومی پرسند: چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: مازاد. این چنین خداوند آیات را برای شما روشن می سازد، شاید بیندیشید» (بقره، ۲۱۹).

۸. احترام به مردم گوناگونی فرهنگها

در نظام اخلاقی اسلام، مردم و جامعه محترم اند و هیچ گاه و به هیچ قیمتی نباید آبرو و حیثیت مردم وجه المصلحه قرار گیرد. در قرآن کریم، بارها توصیه شده است که با مردم با لحن خوش سخن گفته شود؛ از جمله این توصیهها این است: «... وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ با مردم خوش سخن بگویید» (بقره، ۸۳) و «قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...؛ و به بندگانم بگو با نیکوترین روش سخن گویند» (اسراء، ۵۳)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ...؛ ای کسانی که ایمان آوردهاید مبدا عدهای از شما عدهای دیگر را استهزاء نمایند چه بسا آنان بهتر از شما باشند و نیز مبدا که گروهی از زنان شما گروهی دیگر را مسخره کنند چه بسا آنان بهتر باشند و به یکدیگر زخم زبان نزنید و یکدیگر را با القاب زشت صدا نکنید...» (حجرات، ۱۱) قرآن کریم حتی در برخورد با غیر مسلمانان دستور می دهد که رعایت ادب و احترام و عدالت و احسان شود: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ...؛ خداوند شما را نهی نکرده است که به آنان که با شما نجنگیده اند و شما را از دیارتان آواره نساخته اند به عدالت و احسان رفتار کنید» (ممتحنه، ۸)، حتی شیوه رفتار با دشمنان و خصم نیز مطابق اخلاق قرآن، مؤدبانه و غیر توهین آمیز است: «وَلَا تُسَبِّحُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...؛ به کسانی که غیر خدا را می خوانند ناسزا نگویند؛ چراکه اگر این چنین کنید، آنان نیز از سردشمنی و جهالت به خداوند ناسزا خواهند گفت» (انعام، ۱۰۸). قرآن کریم در شیوه عملی خود، به خوبی این اصل را رعایت کرده و در توصیف خصم، لحن مؤدبانه و محترمانه به کار برده است: «...وَإِنْ فَرَعُونَ لَعَلَى فِي

الارض...؛ همانا فرعون در زمین برتری جو است» (یونس، ۸۳).

۹. رسانه قرآنی، رسانه ای فراگیر و مؤثر

قرآن رسانهای است فراگیر که تمام زندگی بشر را در بر گرفته است؛ خداوند می فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ؛ و ما این کتاب را بر تو نازل کرده ایم که بیانگر همه چیز و وسیله هدایت و مایه رحمت و مژده رسان مسلمانان است» (نحل، ۸۹)، با جسم و روح انسان در ارتباط است و بیماریهایش را کشف و درمان می کند و راه های پیشگیری را به او نشان می دهد و پیوسته و دائم در رشد و پیشرفت و دانش او می کوشد؛ «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا* قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ سپس بدو گناه و تقوا را الهام کرده است (قسم به همه اینها!) کسی رستگار و کامیاب می گردد که نفس خویشتن را پاکیزه دارد و بپیراید و کسی ناامید و ناکام می گردد که نفس خویشتن را پنهان بدارد و بیوشاند و (به معاصی) بیالاید» (شمس، ۸-۱۰). این اطلاع رسانی فقط به تربیت نفس و تزکیه محدود نمی شود، بلکه زمینه های مختلف دیگری را نیز شامل می شود. در زمینه عقاید می فرماید: «وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ* إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ مِمَّا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَضْرِيغِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ خداوند یکتا و یگانه است و هیچ خدائی جز او که رحمان و رحیم است وجود ندارد. مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز و کشتیهایی که به سود مردم در دریا در حرکت اند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین را پس از مرگش زنده ساخته و انواع جنبندگان را در آن گسترده و در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که در میان آسمان و زمین معلق می باشند، بی گمان نشانه هایی است برای مردمی که تعقل ورزند» (بقره، ۱۶۳-۱۶۴).

خداوند در قرآن، در زمینه عبادات و معاملات می فرماید: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ اینکه (به هنگام نماز) چهره هایتان را به جانب مشرق و مغرب کنید، نیکی (تنها همین) نیست. بلکه نیکی (کردار) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده باشد و مال (خود) را با وجود علاقه ای که بدان دارد (و یا به سبب دوست داشت خدا و یا با طیب خاطر) به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و واماندگان در راه و گدایان دهد و در راه آزادسازی بردگان صرف کند و نماز را برپا دارد و زکات را بپردازد و

وفاکنندگان به پیمان خود بوده هنگامی که پیمان بندند و در برابر فقر و بیماری (و زیان و ضررها) و به هنگام نبرد، شکیباییند (و استقامت می‌ورزند). اینان کسانی هستند که راست می‌گویند و به راستی پرهیزکاران اینانند» (بقره، ۱۷۷)؛ «قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا؛ ایشان می‌گویند: خرید و فروش نیز مانند رباست؛ و حال آنکه خداوند خرید و فروش را حلال کرده و ربا را حرام نموده است» (بقره، ۲۷۵).

قرآن در زمینه مکارم اخلاقی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ خداوند به دادگری و نیکوکاری و نیز بخشش به نزدیکان دستور می‌دهد و از ارتکاب گناهان بزرگ و انجام کارهای ناشایست و دست‌درازی و ستمگری نهی می‌کند. خداوند شما را اندرز می‌دهد تا اینکه پند گیرید» (نحل، ۹۰) و آیات بسیار دیگری که به بهترین عقاید و درست‌ترین عبادات و پاک‌ترین مکارم اخلاقی فرامی‌خواند؛ تأیید این سخن خداوند که می‌فرماید: «مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ؛ در کتاب هیچ چیز را فروگذار نکرده‌ایم» (انعام، ۳۸).

۱۰. کار رسانه، وظیفه پیامبران و مردم

خداوند به شیوه استفهام‌انکاری می‌فرماید: «فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ مگر بر پیغمبران وظیفه‌ای جز تبلیغ آشکار است؟» (نحل، ۳۵). «آیا وظیفه‌های جز ابلاغ روشن بر پیامبران هست؟» یعنی وظیفه‌ای جز ابلاغ و رساندن پیام، بر پیام‌آوران وجود ندارد که همانا نشر دین و آنچه به مصلحت انسانهاست. «يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ؛ خداوند به دستور خود، فرشتگان را همراه با وحی بر هر کس از بندگانش (به نام انبیا) که خود بخواهد نازل می‌کند که جز من خدایی نیست؛ پس (با انجام حسنات و دوری از سیئات)، از غضب و عذاب من پرهیزید» (نحل، ۲) به نسبت پیامبر خاتم نیز چنین وظیفه‌های متصور است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ و قرآن را بر تو نازل کرده‌ایم تا اینکه چیزی را برای مردم روشن سازی که برای آنان فرستاده شده است و تا اینکه آنان بیندیشند» (نحل، ۴۴). پیداست تبیین و رساندن پیام، وظیفه اصلی پیامبر (ص) بوده است. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ؛ ای فرستاده هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است برسان و اگر چنین نکنی، رسالت خدا را (به مردم) نرسانده‌ای» (مائده، ۶۷). پیام‌بر در زمان حیات خویش، تمام توان و زمانش را صرف تبلیغ و رساندن دعوت دینی کردند و به درستی به ادای این وظیفه همت گماردند.

خداوند در چندین جا از زبان پیامبرش می‌فرماید: «إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ؛ من تنها به آنچه وحی

شده‌ام پیروی می‌کنم» (انعام، ۵۰). آنان متولیان صادق و ماهر، در دادن امانت به صاحبانش بودند؛ نوح را می‌بینیم که قومش را این‌گونه خطاب می‌کند: «وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ* وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ* وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لِنَ الظَّالِمِينَ؛ ای قوم من! من در برابر آن، از شما مالی نمی‌خواهم؛ چرا که مزد من جز بر عهده خدا نیست؛ و من کسانی را که ایمان آورده‌اند نمی‌رانم. آنان خدای خود را ملاقات می‌کنند؛ و اما من شما را گروه نادانی می‌دانم. ای قوم من! اگر من مؤمنان را از پیش خود برانم، چه کسی مرا در برابر (مجازات شدید) الله یاری می‌دهد؟ آیا یادآور نمی‌شوید. من به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های (رزق و روزی) خدا در دست من است و به شما نمی‌گویم که من غیب می‌دانم و من نمی‌گویم که من فرشته‌ام؛ و من نمی‌گویم آنان که در نظر شما خوار می‌آیند، خداوند هیچ‌گونه خوبی و نیکی بهره‌ایشان نمی‌سازد و خدا از چیزهایی که در اندرون دارند آگاه‌تر (از هر کسی) است. در این صورت من از زمره ستمکاران (به خود و به دیگران) خواهم بود» (هود، ۲۹، ۳۱). به همین ترتیب سایر پیامبران از طرف خود چیزی را ابلاغ نکرده‌اند، بلکه حمل امانتی بوده‌اند که به آنها سپرده شده است. نکته مهم‌ترین است که خداوند هر نوع شبه‌های را از رسالت پیامبر نفی می‌کند و می‌فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ* ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ* فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ؛ اگر پیغمبر پاره‌ای سخنان را به دروغ بر ما می‌بست، ما دست راست او را می‌گرفتیم. سپس رگ دلش را پاره می‌کردیم. و کسی از شما نمی‌توانست مانع (این کار ما در باره) او شود (و مرگ را از او باز دارد)» (حاقه، ۴۴، ۴۷).

و خداوند افترای مخالفان را که ادعا می‌کردند قرآن، کلام محمد است این‌گونه پاسخ می‌دهد: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِيُنذِرَ قَوْمًا مِمَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ؛ اما (مشرکان) می‌گویند: (محمد) خودش آن را از پیش خود ساخته است، بلکه قرآن (سخن) حقیقی است که از سوی پروردگارت (بر تو) نازل شده است تا گروهی را (از خشم خدا) بترسانی که پیش از تو پیغمبری برای آنان نیامده است، شاید هدایت یابند» (سجده، ۳). دعوت پیامبران از نظر منبع خبری و رساندن پیام دقیق‌ترین، موثق‌ترین و موفق‌ترین فرآیند رسانهای در تاریخ بشریت به‌شمار می‌آید. این رسانه همه ویژگی‌های یک رسانه موفق را که امروزه نزد روزنامه‌نگاران متعارف است دارا بوده و آن عبارت است از:

۱. فرستنده: خداوند تعالی
۲. گیرنده: مردمی که از این رسانه استقبال کرده‌اند؛
۳. پیام رسانه‌ای: وحی که در قالب آیات قرآن به مردم رسیده است؛

۴. ابزار انتقال: پیامبر(ص)، البته برخیا جبرئیل را هم اضافه می‌کنند (صینی، ۱۹۹۱م، ۹۸)؛
۵. هدف رسانه‌ای: هدفی است که از فرآیند عملیات رسانهای انتظار می‌رود که در کار رسانهای پیامبران، ارتباط مردم با خالقشان، بندگی، فرمانبرداری از اوامرو نواهی او و اجرای شریعتش در همه امور زندگی است.
۶. قرآن همین وظیفه رسانه‌ای پیامبرخاتم را بر پیروان او نیز واجب و رستگاری آنان را در ادای این رسالت می‌داند و می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و باید از {میان} شما امتی باشد که {مردم را} به سوی نیکی دعوت کنند؛ امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان همان رستگارانند» (آل عمران، ۱۰۴).

منابع

قرآن کریم

- ابن منظور، أبو الفضل جمال الدين، لسان العرب، بيروت دار إحياء التراث العربي، بی تا.
- أحمد، آلاء، الإعلام مقوماته و ضوابطه وأساليبه في القرآن، رسالة ماجستير في الجامعة الإسلامية في غزة بفلسطين، في كلية أصول الدين، قسم التفسير وعلوم القرآن، ۲۰۰۹م.
- احمدی، محمد علی، فصلنامه تخصصی انجمن تبلیغ و ارتباطات، سال سوم، ش ۶، قم، پاییز، ۱۳۹۳ش.
- الإمام، إبراهيم، العلاقات العامة والمجتمع، القاهرة، مكتبة الأنجلو، ۱۹۸۱م.
- الإمام، إبراهيم، الإعلام الإسلامي، القاهرة، مكتبة الأنجلو المصرية، ۱۹۸۰م
- البخاری، محمد بن اسماعيل، فضائل القرآن، المكتبة الشاملة، الإصدار الثاني، ۱۹۹۸م.
- البستاني، بطرس، محيط المحيط، المكتبة الشاملة، الإصدار الثاني، بی تا.
- حمزه، عبداللطيف، الإعلام والدعاية، بيروت، دار الفكر العربي، ۱۹۷۸م.
- الشعراوي، عايد، تدوين الفكر الإعلامي في العالم، بيروت، دار النهضة الإسلامية، ۱۹۸۹م.
- الشنقيطي، سيد محمد سادق، مفاهيم إعلامية من القرآن الكريم: دراسة تحليلية لنصوص من كتاب الله، الرياض، دار عالم الكتب، ۱۹۸۶م.
- شيخ، مغيث الدين، «چارچوب اسلامي اخلاق رسانهای مسائل چالشها»، رسانه، ش ۳، پاییز، ۱۳۷۵ش.
- صینی، سعيد إسماعيل، مدخل إلى الإعلام الإسلامي، القاهرة، دار الحقيقة للإعلام الدولي، ۱۹۹۱م.
- عابدی میانجی، محمد، «اصول محتوایی رسانه از دیدگاه قرآن»، ویژه نامه رسانه ۷۶، قم، دفتر فرهنگ کوثر، ۱۳۸۷ش.
- عبداللطيف، رشاد أحمد، تنمية المجتمع وقضايا العالم التربوية، بی جا، دارالمعرفة الجامعية، بی تا.
- فرهنگی، علی اکبر، ارتباطات انسانی، مؤسسه تهران تایمز، ۱۳۷۳ش.
- المتولی رفاعی، عاطف ابراهيم، صور الإعلام في القرآن الكريم، بحث تکمیلی لنیل درجة الماجستير في التفسير،

جامعة المدينة العالمية ماليزيا، كلية العلوم الانسلامية قسم التفسير وعلوم القرآن، ٢٠١١ م.س
مجموعه مؤلفين، المعجم الوسيط، القاهرة، مجمع اللغة العربية، الطبعة الثانية، ١٩٨٩ م.
حجاب، منير، نظريات الإعلام الإسلامي، الهيئة المصرية العامة للكتاب، الإسكندرية، ١٩٨٢ م.
نوردنسترنج، كارل، «اخلاق حرفهاى جنبههاى بنهان وآشكارا»، ترجمه مجتبي صفوى، رسانه، ش ٣، پاييز؛
١٣٧٤ ش
الوشلى، عبد الله قاسم، الإعلام الإسلامي في مواجهة الإعلام المعاصر، بي جا، بي تا.

مطالعات رسازوا

سال دوم، شماره ٣
پاييز و زمستان ١٣٩٤